

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیأت تحریر «آذرخش»

اول می ۲۰۱۱

همردیف وانمود کردن لنین و برژنیف یا ناشی از بی خبری است یا هم زاده غرض

در شماره ۲۹ اپریل ۲۰۱۱ پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» نوشته ای از یک هموطن محترم به اسم انجنیر محمد هاشم رائق از اضلاع متحده امریکا نشر شد. نوشته شان نوعی نمایشنامه لفظی یا محاوره چند نفری بوده، خواننده را در جریان داستان سرگرم نگاه می دارد. داستان گونه مذکور با عنوان "جلسه بعد از مرگ دوزخیان" با آنکه "به یاد سیاهترین روز ملت افغانستان ششم جدی" به تحریر درآمده است ولی نشر آن در پورتال و در معرض خواندن قرار گرفتن آن در تقبیح سالروز کودتای هفت ثور، کدام اشکالی بار نمی آورد زیرا مضمون آن مختص به این یا آن سالگرد شوم زمان استیلای روس به سرزمین ما و دوران زمامداری این یا آن نوکرسوسیال امپریالیزم شوروی نمی باشد.

اینکه پورتال ملی و مترقی «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» با رعایت اصل ارزشمند احترام به آزادی بیان و حق دموکراتیک افراد در ابراز نظرات شان، مضامینی از دیدگاههای متضاد ایدئولوژیکی را ممکن حتما در عین صفحه همان روزپخش نمایند، تعجبی ندارد بلکه ثبوت تطبیق موازین دموکراسی می باشد. درست به اساس همین دید دموکراتیک، ما به خود اجازه می دهیم که در مورد نوشته هموطن ما آقای هاشم رائق چند نکته را دقیق بسازیم. اگر سیاست نشراتی این پورتال ارزشمند واضح و مورد اعتماد مردم نمی بود، شاید ما نشر نوشته آقای رائق را به دلیل بعضی نکات مغشوش آن، مشکوک یافته و نمایان شدن آن را در پورتال، فقط یک یا دو روز پیش از اول می، مغرضانه می یافتیم ولی خوشبختانه که چنین نیست. حال می پردازیم به معرفی آن نکاتی که به نظر ما به شکل نادرست و نامنصفانه در نوشته محترم رائق نمایان شده اند.

در آغاز خوانش نوشته شان فکرمی کردیم که ایشان مفاهیم «جنت و دوزخ» را به باد تمسخر گرفته اند ولی تا آخر نوشته شان واضح نشد که ایشان جداً به جنت و دوزخ معتقد هستند و یا سناریوی نمایشنامه شان اعتقاد به آنها را برایشان تحمیل کرده است. البته کم نیست شمار تحصیل کردگان و منورین کشور ما که نتوانسته اند خود را از قید خرافات دینی نجات بدهند. ولی این مسأله در انتقاد ما عمده نبوده بلکه اشاره جزئی می باشد. آنچه باید جداً رد شود،

اختلاط مارکسیزم - لنینیسم با ریویزیونیسم شوروی می باشد. به عبارت دیگر، آقای رائق یا به دلیل عدم آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک و یا هم به دلیل مغشوش ساختن عمدی مرز میان انقلاب و ضدانقلاب در شوروی سابق، دوره قبل از ظهور ریویزیونیسم خروشچفی را با مابعد آن خلط می نمایند.

به گونه مثال در نوشته ایشان از زبان وطنفروشان ریویزیونیستی چون تره کی - امین - ببرک خطاب به بادران روسی شان می خوانیم:

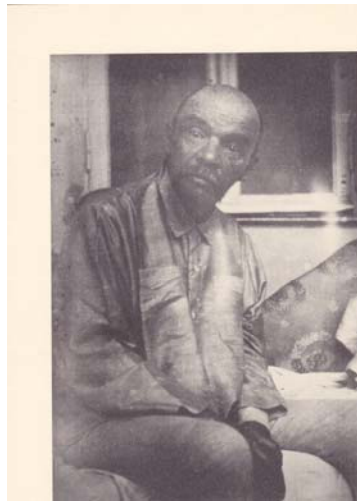
«ما همه شاگردان ناز پرور مارکسیزم لنینیسم هستیم.» گرچه هرکسی، ولو شدیداً ضد مارکسیزم - لنینیسم و ضد انقلاب واقعی سوسیالیستی، می تواند شاگرد مارکسیزم - لنینیسم باشد (مانند وطنفروشان "خلق" - پرچمی) ولی تطبیق مارکسیزم - لنینیسم در عمل، معیار وفاداری به اصول آن در دفاع از توده های مظلوم و ستمکش می باشد. آقای هاشم رائق تا آن حدی در این موضوع از بی توجهی کاری گیرند که حتا ظالمانه لنین را هم سطح ریویزیونیست فاشیست و سویال امپریالیستی چون لئونید برژنیف قرار می دهد:

« رفیق برژنیف و رفیق لنین را گاه گاهی می بینم.» درینجا موضوع مسلمان یا غیرمسلمان و خرافات جنت و دوزخ برای ما مطرح نبوده و کوچکترین اهمیتی ندارد. آنچه مشمئزکننده است، قرارداد یک انقلابی سترگ، یک انسان به مفهوم واقعی کلمه، یک خادم نترس و سدید زحمتکش و محرومان جوامع بشری - ولادیمیر ایلیچ لنین - در ردیف خائنان ریویزیونیست و ضدانقلابی دشمن ستمدیدگان جهان، برژنیف و نوکران افغانی وی می باشد. آقای رائق یا هیچگاه تاریخ انقلاب اکتبر را مطالعه ننموده اند و یا هم از آن هیچ چیزی نفهمیده اند. شاید هم اعتقاد مذهبی، غشای مکرری را در ذهن شان بار آورده که به سبب دشمنی ایدئولوژیک با مارکسیزم - لنینیسم، خلط آن با ریویزیونیسم یا برای شان بی تفاوت بوده کدام مفهومی ندارد؛ و یا هم جزایزشان برای مقابله با علم انقلاب یعنی مارکسیزم - لنینیسم می باشد.

این طرز برخورد محترم آقای هاشم رائق به مسأله، دودشمن سوگند خورده ملت ما و دو دشمن سوگند خورده زحمتکش جهان: باند "خلق" - پرچم و تشکلات مختلف اخوانی را ضمن آنکه شاد و راضی می سازد، عملاً خدمتی در راستای تبلیغات ایدئولوژیک و مواضع عوامفریب و ضد مردمی آنها می باشد. کدام "خلق" - پرچمی و وطنفروش و خائن به مردم و وطن ادعای "مارکسیست - لنینیست" بودن را نکرده است؟ کدام اخوانی (گلبدینی، جمعیتی، پیروسیاف، حزب وحدت و غیره و غیره) خصومت خونین خود با مارکسیزم - لنینیسم را بیان و تبلیغ نموده است؟ کدام یک ازین دوجناح به مردم و به محروم ترین اقشار جامعه ما - و نتیجتاً به آرمان آزادی محرومان جهان - خیانت نکرده چوبدست سویال امپریالیسم و امپریالیسم رقیب آن نبوده اند؟ و سرانجام، کدام یک از باند های «خلق» - پرچم و باند های اخوانی در افغانستان دمار از روزگار مردم در نیاورده و امتحان جنایت، خیانت، و وطنفروشی و اطاعت از بیگانگان متجاوز را در برابر مردم مظلوم و قربانی جنایات نوکران روس و غرب، پشت سر نگذاشته اند؟

آقای رائق ممکن افغان پاک و خوش قلبی باشند ولی این گونه قضاوت غیرمسئولانه شان در قسمت یکی از محبوب ترین رهبران انقلاب در تاریخ بشریت، از اعتبارشان نزد نسل های آینده خواهد کاست. از زبان ریویزیونیست های تشنه خون لنین و لنینیست ها، گفتن اینکه: «ما همه شاگردان لنین کبیر هستیم»، چیزی به جز هرپراگنی از نوع گندیده ترین تبلیغات اخوانی و ضمناً بی اساس ترین ادعاهای ریویزیونیست های خروشچفی و نوکران حلقه به گوش داخلی آنها در حزب نام نهاد «دموکراتیک خلق افغانستان» نمی باشد.

به دو تصویر پائین نگاه کنید. حتا اگر در زندگی تان هیچگاه با ایدئولوژی و سیاست سروکار نداشته باشید ، باز هم قادر خواهید بود با قضاوت ولو ظاهری ، نماینده ریویزیونیسم و ضدانقلاب (برژنیف) و رهبر انقلاب واقعی توده نی (لنین) را ، از روی ظاهر آنها تفکیک نمائید. البته فاصله چند دهه میان دو عکس و یاهم کیفیت چاپ آنها کدام تأثیری در این قضاوت ظاهری (هر چند هم سطحی) ندارد. آنچه فوراً جلب نظر می کند ، تفاوت میان نماینده بورژوازی اعیان شده در یک نظام قبلاً انقلابی پرولتری از یکطرف و نماینده اصلی و واقعی پرولتاریا و کارگران جهان در سادگی زندگی وی به مانند توده های پرولتاریا ، در طرف دیگر می باشد. شاید به خاطر داشته باشید که بعد از مرگ برژنیف ، کلکسیون موترهای لوکس شخصی! وی به نمایش گذاشته شد. وی همچنان از جمله رهبران و کادرهای دولت سوسیال امپریالیست شوروی بود که از «مغازه دالر» مایحتاج خود را خریداری می نمود. آیا چنین چیزی را در مورد لنین شنیده اید؟ بفرمائید بگوئید: اموال و دارائی های شخصی لنین چه چیزها بود؟ در خاتمه اضافه می نمائیم که به حکم برژنیف و شرکایش یک ونیم ملیون افغان (گذشته از جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی در دیگر جاهای دنیا) به بیرحمانه ترین اشکال سر به نیست شدند. کدام جنایت لنین را می توانید نام ببرید؟ اینکه امپریالیسم همه جنایات ریویزیونیست ها را به لنین نسبت می دهند ، دلیل آن حال به هیچ انسان فهیمی پوشیده نیست. ولی تراژیدی بزرگ اینست که عده ای تحصیل کرده و منور آن ارجیف و تبلیغات مسموم کننده و مضحک را آگاهانه یا هم ناآگاهانه نشخوار می نمایند.



ریویزیونیست سوسیال فاشیست

یا

لنین:
رهبر کبیر انقلاب اکتوبر و مارکسیست واقعی و خلاق

یکی از بداران وطن فروشان "خلقى" - پرچمی:

لئونید برژنیف